

بررسی مسئله انگیزه‌های درخواست معجزات اقتراحی پیامبر ﷺ و انجام آن

پیام سورنی *

حمید کریمی **

چکیده

پیامبر گرامی اسلام ﷺ همچون پیامبران گذشته با حکمت و موعظه و معجزات الهی مردم را به سوی دین دعوت می‌کردند اما برخی قانع نمی‌شدند و معجزات دیگری طلب می‌کردند. مقاله پیش‌رو با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی مسئله انگیزه‌های معجزات اقتراحی پیامبر ﷺ و انجام آن از سوی حضرت پرداخته است؛ این موضوع کم‌تر مورد توجه محققان قرار گرفته است. لذا آثار مکتوب زیادی در این باره وجود ندارد؛ هدف نگارنده تبیین بیشتر این موضوع از طریق تبیین مصادیق معجزات اقتراحی، انگیزه‌های درخواست‌کنندگان و انگیزه‌های انجام معجزات است. این تحقیق با این فرضیه صورت گرفته است که ازجمله انگیزه‌های درخواست معجزه از پیامبر ﷺ مبارزه با گسترش اسلام و معارف اسلامی و نیز بهانه‌گیری و لجاجت بوده است و در این راستا به نتایج ذیل دست یافته است: انگیزه‌های درخواست معجزه اکثر افراد، شناخت حق و ایمان به آن نبوده است و بیشتر با انگیزه‌هایی چون: استهزا و انکار رسالت، رفاه طلبی، بهانه‌گیری و لجاجت، انجام گرفته است. معجزه‌ها از طرف پیامبر ﷺ با دو انگیزه اثبات حقانیت نبوت و بستن راه‌های بهانه‌گیری و اتمام حجت، انجام یافته است.

واژگان کلیدی: معجزه، پیامبر ﷺ؛ درخواست معجزه؛ معجزات اقتراحی؛ معجزات اقتراحی پیامبر ﷺ.

*. دانش آموخته سطح سه شیعه شناسی، payamsourni@gmail.com

**دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران، karymi@iust.ac.ir

مقدمه

شناخت هر موضوعی در گرو شناخت مبادی تصویری (مفاهیم) و مبادی تصدیقی (کلیات) آن است. لذا مقاله حاضر ابتدا به بررسی مفاهیم و کلیات موضوع پرداخته است.

معجزه؛ ماده «ع، ج، ز» در لغت در دو معنای اصلی «ضعف، دنباله یا آخر چیزی» (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۹۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۶۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۴) به کار رفته است و معنای اصطلاحی مشهور در تعریف معجزه این است که: «امر خارق العاده مقرون بالتحدی مع عدم المعارضه و مطابق للدعوی»؛ یعنی: معجزه امر خارق العاده‌ای است که همراه با تحدی و عدم معارضه باشد. (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۶۹-۶۷؛ موسوی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۸۳؛ بحرانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۷؛ حلی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۴، ایشان قید عدم معارضه را بیان نفرموده‌اند؛ مقداد، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹، ایشان قید تحدی را بیان نفرموده‌اند؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۴؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۰؛ مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۳۰۷-۳۰۶) و مطابق با ادعا باشد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۱۴؛ مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۳۰۶؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۰؛ محمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۳).

اقتراح؛ از ریشه «ق، ر، ح» است که این ریشه بر سه چیز دلالت دارد: بر درد به وسیله زخم؛ بر خلوص چیزی از آمیختگی و بر استنباط چیزی دلالت می‌کند. (و هو أول ما يستنبط من البئر؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۹۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۹۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۷۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۵۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۰۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۵-۶۶۶) باب افتعال واژه «قرح» در معانی استنباط، استخراج، ابداع، ابتکار، اختراع، درخواست، درخواست بدون رؤیت؛ پیشنهاد و تحکم استعمال شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۹۵؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۷۱؛ فیروزآبادی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۴۴-۳۴۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۵۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۰۳؛ زمخشری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۴) در مانحن فیه اقتراح به معنی «درخواست» است.



در کتب کلامی و علوم قرآنی تعریف اصطلاحی از معجزه اقتراحی در دسترس نیست. فقط در چند کتاب به صورت مختصر تعریف شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۳۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۱). اما هیچ کدام از این تعاریف، جامع افراد نیستند، بلکه فقط بخشی از معجزات اقتراحی را بیان کرده‌اند. چون همه معجزات اقتراحی با انگیزه و نیت بهانه‌جویی، که در تعاریف ذکر شده است، درخواست نگردیده است. لذا بهتر است تعریف کرد به: «معجزه‌ای که با درخواست مردم انجام گرفته باشد، معجزه اقتراحی نامیده می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۴۴۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۵۸؛ رضایی، ۱۳۸۱، ص ۶۷).

بعد از مشخص شدن معنا و مفهوم معجزه اقتراحی این سؤال پیش می‌آید که آیا پیامبر ﷺ دارای معجزه اقتراحی است؟ لازم به ذکر است که در ذکر روایات معجزات درخواستی بحث سندی انجام نگرفته و به شهرت برخی موارد، وجود نمونه‌های متعدد در هر موضوع، تأییدات قرآنی و تناسب با روایات مردم آن زمان و این دوران اکتفا شده است و در این نوشتار درصدد اثبات قطعی تک تک این موارد نیست.

معجزات اقتراحی پیامبر ﷺ

در پاسخ به این سؤال باید گفت، درخواست‌های معجزه از پیامبر ﷺ دو گونه‌اند:

الف) اقتراحات مقبول (درخواست‌هایی که توسط پیامبر ﷺ مورد قبول واقع شده است) از جمله: معجزه شق القمر در قرآن (قمر: ۱؛ ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۸۲؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۵۷-۳۴۷، باب ۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۶۰) و معجزاتی در روایات نظیر: زیاد شدن آب چاه؛ سیرآب شدن قوم از یک کاسه آب، به دعای پیامبر ﷺ (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۰-۳۱۷، ج ۱۲۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۲۳۵-۲۲۵، باب ۲، ج ۱) حرکت درخت به درخواست مشرکان و دستور پیامبر ﷺ؛ (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰-۴۰۲)

ب) اقتراحات غیر مقبول (درخواست‌هایی که مورد قبول واقع نشده است) از جمله:

درخواست معجزه همانند معجزات انبیای گذشته (انعام: ۵؛ عنکبوت: ۵۰)؛ درخواست معجزه، همانند معجزه حضرت موسی علیه السلام (قصص: ۴۸)؛ درخواست نزول ملائکه (انعام: ۱۱۱)؛ درخواست باز شدن درب آسمان و عروج به آسمان (حجر: ۱۱۵-۱۱۴)؛ درخواست رسیدن به مقام رسالت (انعام: ۱۲۴)؛ درخواست خانه‌ای از طلا برای پیامبر صلی الله علیه و آله، یا بالا رفتن او به آسمان (اسراء: ۹۳)؛ فرود آوردن پاره‌ای از آسمان یا حاضر کردن خدا با فرشتگان (اسراء: ۹۲) فهرست برخی از درخواست‌های معجزه بود، که از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست شده است. پس پاسخ سؤال مثبت است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله دارای معجزات اقتراحی است که در بالا به برخی از آنها اشاره شد.

انگیزه‌های درخواست

بعد از برشمردن درخواست‌هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله شده است، سؤالی که پیش می‌آید این است، انگیزه‌های درخواست‌کنندگان معجزات اقتراحی چه بوده است؟ با چه انگیزه‌ای، درخواست معجزه می‌کردند؟ در این بخش به پاسخ این سؤال می‌پردازیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بعثت به طور پنهانی مردم را دعوت به اسلام می‌فرمود و عده‌ای از مستضعفان و جوانان به او گرویدند، و بعد از نزول آیه انذار (شعراء: ۲۱۴) مرحله‌ای دیگر از تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز گردید. در مرحله اول، مشرکان فقط به استهزا اکتفا می‌کردند و برخوردی نداشتند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۵) و در مرحله بعد بت‌پرستان و مشرکان مکه نیز درصدد مقابله و جلوگیری از تأثیر اسلام بودند، به خاطر ساختار قبیله‌ای قریش و حمایت فرزندان عبدالمطلب از پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان نمی‌توانستند به‌طور مستقیم آسیبی به او برسانند. بنابراین در فکر برخورد به شیوه‌ای دیگر بودند که یکی از آنها آزار و اذیت مسلمانان بود (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶).

با توجه به نکته فوق، که تا حدودی بیانگر اوضاع سیاسی، اجتماعی زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله است، درخواست‌هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد نیز متأثر از جو حاکم بر آن زمان بود. با استقرا در معجزات اقتراحی انگیزه‌های درخواست معجزه را می‌توان در ضمن چهار انگیزه اساسی برشمرد:

الف) اقتراح با انگیزه شناخت حق و ایمان آوردن؛ ب) اقتراح با انگیزه رفاه طلبی؛ ج)

اقتراح با انگیزه بهانه‌گیری و لجاجت؛ ه) اقتراح با انگیزه استهزا و انکار رسالت.

۱. اقتراح با انگیزه شناخت حق و ایمان آوردن

برخلاف سه مورد بعد که انگیزه درخواست‌کنندگان، شناخت حق نیست، بلکه درصدد مبارزه با پیامبر ﷺ و اسلام هستند، برخی از درخواست‌کنندگان، به دنبال شناخت حق، ایمان آوردن و تقویت ایمان بودند. که در ذیل به تحلیل موارد آن می‌پردازیم.

۱-۱. ایمان آوردن سبحت یهودی

سبحت یهودی به پیامبر ﷺ عرض کرد: چه کسی می‌داند تو نبی هستی؟ گفت: در اطراف سنگ و کلوخ و غیر این دو چیزی نبود، مگر این‌که با زبان عربی گفتند: ای شیخ همانا او رسول الله ﷺ است. و سبحت گفت: به خدا قسم، مثل امروز روشن‌تر از این ندیدم، سپس گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰۱، باب ۱۷، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۳۲، باب ۱۴، ح ۳۶) طبق این روایت، «سبحت» بدنبال شناخت حق بوده است، و الا اگر به دنبال بهانه‌گیری و لجاجت که خصلت غالب یهود است، بود هرگز با دیدن این معجزه، ایمان نمی‌آورد و شهادتین به زبانش جاری نمی‌شد.

۱-۲. درخواست عده‌ای از مشرکان

«عده‌ای از مشرکان گفتند: ای محمد ﷺ اگر نبی هستی، یک معجزه‌ای برای ما بیاور. هر گروه از مشرکان، معجزه یکی از انبیاء ﷺ را درخواست کردند، وقتی معجزات درخواستی هر گروه محقق شد، نحوه برخورد هر گروه از مشرکان، بیانگر انگیزه آنها بود. سه گروه از آنها بعد از تحقق معجزه درخواستی خود در حال گریه به سوی پیامبر آمده و به نبوت پیامبر اقرار کرده و شهادت دادند و مسلمان شدند (عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۴۴۱-۴۲۹). این‌که درخواست‌کنندگان بعد از دیدن معجزات درخواستی، اقرار به رسالت پیامبر ﷺ می‌کنند و ایمان می‌آورند و مسلمان می‌شوند، بیانگر این نکته است که به دنبال شناخت حق و ایمان آوردن بودند، والا اگر چنین نبود مثل گروه چهارم درخواست‌کنندگان، که رئیس آنها ابوجهل بود، بعد از شنیدن خبر این گروه‌ها نسبت به معجزه پیامبر ﷺ و حتی بعد از

محقق شدن درخواست معجزه خودش، از روی لجاجت و بهانه‌گیری حاضر به ایمان آوردن و قبول حق نمی‌شدند.

۱-۳. شهادت دادن سوسمار

اعرابی به پیامبر گفت: این فضایل که برای پسر عمویت گفتمی مورد قبول نیست مگر این‌که، این سوسمار شهادت بدهد. پیامبر ﷺ فرمودند: کیسه‌ات را باز کن تا به نفع ما شهادت بدهد. سوسمار به وحدانیت خداوند؛ رسالت پیامبر ﷺ؛ فضایل پیامبر ﷺ بر خلق و سایر انبیا و همچنین بر فضایل علی (ع) و ... شهادت داد. و بعد اعرابی با حالت گریه می‌گفت: ای رسول‌خدا! من به آنچه این سوسمار شهادت داد، شهادت می‌دهم (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۳، باب ۱، ح ۱۶۸؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۸، باب ۱، ح ۴۳). اعرابی بعد از مشاهده شهادت دادن سوسمار، بلافاصله مسلمان می‌شود و به رسالت پیامبر ﷺ اقرار می‌کند. پس معلوم می‌شود انگیزه‌اش شناخت حق و ایمان آوردن بوده است و الا بعد از وقوع درخواستش، ایمان نمی‌آورد، هرچند ممکن است ابتدا به انگیزه بهانه‌گیری و لجاجت درخواست کرده باشد، ولی در نهایت به قبول حقانیت نبوت پیامبر منجر می‌شود.

۱-۴. معجزه دو درخت

مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و درخواست معجزه کرد، حضرت خطاب به دو درخت فرمودند: در یک جا جمع شوید. پس حرکت کرده و به یکدیگر چسبیدند، سپس فرمود جدا شوید هرکدام به جای خودش برگشت و آن مرد ایمان آورد. (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۱۳، ح ۱؛ مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۲۴) با توجه به ایمان آوردن درخواست کننده، معلوم می‌شود در پی شناخت حق بوده، لذا بعد از شناخت درنگ نمی‌کند و حق را می‌پذیرد و ایمان می‌آورد.

۱-۵. معجزه بر رسول خدا ﷺ بودن

اعرابی به پیامبر گفت به چه چیزی بدانم رسول خدایی، فرمود: اگر این خوشه خرما را بطلم از بالا به زیر آید گواهی می‌دهی من رسول خدایم. گفت: بلی. حضرت طلبیدند و



محقق شد و اعرابی گفت: گواهی می‌دهم، که تویی رسول خدا و ایمان آورد. (قطب الدین راوندی، خ، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۳۰) این اعرابی بعد از مشاهده معجزه ایمان آورد و گواهی به رسالت حضرت داد، پس انگیزه‌اش از اقتراح شناخت حق بوده است.

۶-۱. درخواست معجزه برای دفع شک

عمار عرض کرد: ای رسول خدا نمی‌توانم تو را تصدیق کنم چون در دم شکی هست آیا معجزه‌ای داری که شک را دفع کند؟ حضرت فرمود: چون به خانه برگردی هر درخت و سنگ را که بینی از حال من از آن سؤال کن. چون برگشتم گفتم: ای درخت و ای سنگ! محمد دعوی می‌کند که تو شهادت می‌دهی برای پیغمبری او. پس آن به سخن می‌آمد و می‌گفت: شهادت می‌دهم که محمد رسول پروردگار ماست. (مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۰، باب ۸، ج ۶۱۶؛ عسکری رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ق، ص ۵۹۹) جناب عمار برای دفع شک معجزه می‌خواهد، و در واقع با دفع شک می‌خواست، حق را بشناسند و به آن ایمان بیاورد. و ثمره این ایمان بود که بعدها به درجات بالای معنوی رسید و از اصحاب خاص پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام به شمار آمد.

۲. اقتراح با انگیزه رفاه طلبی

یکی دیگر از انگیزه‌هایی که مشرکان و مخالفین درخواست معجزه می‌کردند، اقتراح با انگیزه رفاه طلبی بود.

مشرکان برای رفاه خود یا پیامبر صلی الله علیه و آله چندین درخواست داشتند، که سه درخواست آن در سه آیه پشت سر هم بیان گشته است، که عبارتند از:

۲-۱. بیرون آوردن چشمه آب (اسراء: ۹۰):

۲-۲. داشتن باغ خرما و انگور (اسراء: ۹۱):

۲-۳. داشتن خانه زرین (اسراء: ۹۳):

عده‌ای از مشرکان نزد کعبه جمع شده و به پیامبر پیشنهادهایی دادند همانند مال دنیا و ریاست و غیره. حضرت فرمود: هیچ يك از اینها نیست. خداوند مرا به رسالت، به سوی شما

فرستاده و کتاب آسمانی را بر من نازل کرده است. گفتند: سرزمین ما از همه جا تنگ‌تر و خشک‌تر است. از خدایت بخواه تا این کوه‌ها را از مکه بردارد و رودهایی همچون رودهای عراق و شام برای ما جاری سازد... فرمود: خدا مرا برای این کارها نفرستاده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۸) تفکر مادی و مالی آنها را این چنین گردانیده که فقط مال و ثروت است، که صاحب مال را هم‌تراز، عهده‌داری رهبری و آقایی می‌گرداند، و درک نکرده‌اند که رسالت محمد ﷺ ثروت، حیات و عظمت انسانی است. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۸۵-۸۴) همانطور که روشن گردید، این اقتراحات با انگیزه رفاه بیشتر و ثروت و سرمایه بود همانطور که معیارشان برای اثبات بزرگی و مقام، رفاه و ثروت بود.

۲-۴. گنج و مال داشتن

«(ای رسول ما) مبادا بعض آیاتی را که به تو وحی شده (درباره کافران به ملاحظاتی) تبلیغ نکنی و از قول مخالفانت که می‌گویند (اگر این مرد پیغمبر است) چرا گنج و مالی ندارد...» (هود: ۱۲) ابن عباس می‌گوید: رؤسای قریش در مکه گفتند: ای محمد! اگر تو به راستی پیغمبری، کوه‌های مکه را برای ما به طلا تبدیل کن؛ یعنی اگر این گنج، اعطا می‌شد این در نزد ما نشانه صدق پیامبر ﷺ بود. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۲۱) یا فرشتگانی همراه خود بیاور که به نبوت تو گواهی دهند، و به دنبال این سخن آیات فوق نازل گردید. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۲۱؛ الحمیری المعافری، ج ۱، ص ۲۹۵) صاحبان اموال و ثروت در قدیم و جدید چنین تفکری دارند و اعتقاد دارند که مناصب شریف باید وقف برای اغنیا باشد و فقرا واجب است که از منصب و آقایی به دور باشند. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۲۱۵) همانطور که قبلا بیان شد، ملاک مشرکان برای رهبری و ریاست، داشتن مال و ثروت است، و آیه نیز تفکر آنها را بیان می‌دارد. در واقع انگیزه اقتراح آنها با توجه به تفکرشان، یک سری امور مادی و رفاهی بود.

۳. اقتراح با انگیزه بهانه‌گیری و لجاجت

از جمله انگیزه‌های اساسی که موجب درخواست‌های مکرر معجزه می‌شد بهانه‌گیری و لجاجت بوده است که در ادامه نمونه‌هایی از آن می‌آید.

۱-۳. بهانه‌گیری

«آیا اراده آن دارید که شما نیز از پیغمبر خود درخواست کنید آنچه را که یهود در زمان گذشته از موسی خواستند؟ و هر که ایمان را مبدل به کفر گرداند، بی‌شک راه راست را گم کرده است.» (بقره: ۱۰۸) شأن نزول‌هایی که بیان شده است از نظر نتیجه تقریباً همه یکسان هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۱) جمعی از مسلمانان و مشرکان بر اثر وسوسه یهود، تقاضاهای نابه‌جایی از پیامبر ﷺ کردند از جمله؛ آوردن نامه‌ای از خداوند، یا رؤیت خداوند و ملائکه، یا جریان دادن نهر آب یا طلا کردن کوه صفا (طوسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۰۲) و لذا خداوند در این آیه ایشان را سرزنش می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۵۷) می‌فرماید: «آیا شما می‌خواهید از پیامبرتان همان تقاضاهای نامعقول را بکنید که پیش از این از موسی کردند؟ و با این بهانه‌جوئی‌ها شانه از زیر بار ایمان خالی کنید» درخواست‌کنندگان معجزه‌انگیزه‌ای جز بهانه‌گیری و زیربار حق نرفتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۹۶)

۲-۳. درخواست فرود قطعه‌ای از آسمان و حاضر کردن خدا و ملائکه در پیشگاه آنها

از دیگر بهانه‌های رنگارنگ که مشرکان داشتند، چنان که قرآن بیان می‌دارد. «یا آنکه بنا بر پندار و دعوی خودت پاره‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آری.» (اسراء: ۹۲) خداوند در آیه بعد (اسراء: ۹۳) به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد که پاسخ معجزات اقتراحی مشرکان را بدهد و آنها را بر جهل و لجابتشان آگاهی دهد. چون که کارهای بزرگی را پیشنهاد می‌دادند که بیشتر آنها تحت قدرت او نبود، و جز قدرت الهی کسی یارای آنها را ندارد. و حتی برخی از آنها محال ذاتی هستند، مانند: آوردن خدا و ملائکه در برابر چشم ایشان. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۳) این آیه نهایت لجابت و بهانه‌گیری مشرکان را می‌رساند، چون که ایمان آوردنشان را منوط به فروریختن آسمان و حضور خدا و ملائکه در مقابل آنها - که امری محال است - کرده‌اند. با اینکه دلیل و معجزه بر رسالت پیامبر ﷺ وجود داشت باز هم دست به بهانه‌گیری زده و چنین درخواست‌های محالی را داشتند.



۳-۳. عدم ایمان در صورت بر آورده شدن درخواست‌ها

کفار به مرحله‌ای از بهانه‌گیری و عناد رسیده‌اند که اگر هرچه درخواست دارند را محقق کنیم، باز هم حاضر به قبول حق و پذیرش ایمان نیستند. «و اگر فرشتگان را بر آنها می‌فرستادیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و هر چیزی را رویارویشان فراهم می‌آوردیم باز ایمان نمی‌آوردند مگر به مشیت خدا، لیکن اکثرشان (مشیت نافذ حق را) نمی‌دانند.» (انعام: ۱۱۱) خداوند با این آیات از کفاری خبر داده که درخواست معجزات کردند و از حال آنها معلوم است که ایمان نمی‌آورند، هرچند، هرچه بخواهند انجام بگیرد. مقصود این است که آنها بر اثر شدت عناد و ترك فرمانبری و عدم اعتقاد به حق، کارشان به مرحله‌ای رسیده است که حتی درباره مشاهدات خود که قابل تردید نیستند، شك می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۴۰). این آیه نهایت لجاجت و بهانه‌گیری مخالفین را بیان می‌دارد، در بیشتر موارد هدف از اقتراح، ایمان آوردن نبود، بلکه دنبال بهانه‌گیری و لجاجت بیشتر بودند.

۳-۴. اقتراح شکافتن ماه

از جمله مواردی که قرآن انگیزه مشرکان را بهانه‌گیری و لجاجت بیان می‌کند، معجزه شق القمر است (قمر: ۲-۱) مشرکان مکه به پیامبر ﷺ گفتند: اگر راست می‌گویی که پیامبرخدایی، ماه را برای ما بشکاف، و دو نصف کن. پیامبر ﷺ فرمودند: اگر این کار را بکنم، شما ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری، پیامبر از پروردگارش درخواست کرد، که آنچه آنها می‌خواهند، عطا فرماید. پس ماه شکافته و دو نیم شد، سپس پیامبر فریاد می‌کرد ای فلانی! ای فلانی! شهادت دهید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۸۲). این حدیث را جماعت بسیاری از صحابه نقل کرده‌اند و مفسرین نیز بر همین عقیده‌اند و تمام مسلمین بر این معجزه اجماع کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۸۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۷۴؛ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۴۴۳). آنها همه معجزات را بر تداوم سحر حمل می‌کردند، و آن را «سحری مستمر» می‌پنداشتند، هر چند این تهمت بهانه‌ای برای عدم تسلیم در مقابل حق بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۱۰). مشرکان انگیزه‌ای جز بهانه‌گیری و لجاجت نداشته‌اند، این لجاجت به حدی بوده که حتی بعد از محقق شدن معجزه درخواستی، حاضر به پذیرش حق و حقیقت نشدند و گفتند این سحر است.



۵-۳. درخواست اهل کتاب بر فرود کتاب بر آنها

برخی از یهودیان از پیامبر ﷺ درخواست‌هایی داشتند که قرآن بیان می‌دارد: «(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست کنند که از آسمان کتابی (یکجا) برای آنان فرود آوری، همانا از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند...» (نساء: ۱۵۳) قصد یهود از این درخواست، تحکم - از پیش خود حکم کردن - و تعنت - سؤال پیچ و خسته کردن - بود. و اگر خواسته آنها برای استرشاد بود، نه از روی عناد، حتماً درخواستشان محقق می‌شد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۱). این سؤال‌شان به‌جز بهانه‌جویی و لجاجت معنایی ندارد، تنها کسی - چنین درخواستی می‌کند که در اثر عمری هواپرستی، دچار هذیان شده و برای گفته خود هیچ قید و شرطی قائل نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۳۰). همانطور که از بیان قرآن روشن است درخواستی که داشتند در راستای همان درخواست‌هایی بود که بنی‌اسرائیل از حضرت موسی داشت و قوم یهود از دیرباز به بهانه‌گیری و لجاجت مشهور بوده‌اند.

۶-۳. درخواست حرکت درخت

سران قریش از باب لجاجت و بهانه‌گیری، از پیامبر ﷺ درخواست می‌کنند که این درخت را به حرکت در بیاور، اما وقتی معجزه درخواستی‌شان محقق می‌شود، از پذیرش حق شانه خالی کرده و به پیامبر ﷺ اتهام سحر می‌زنند (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰-۴۰۲). سران قریش انگیزه‌ای غیر از بهانه‌گیری و لجاجت نداشته‌اند والا بعد از محقق شدن چندین مورد معجزه، آن هم درخواستی خودشان نباید برای طالب حق، شک و شبهه‌ای باقی بماند و سخنان سران قریش در واکنش به این معجزه، بیانگر انگیزه و نیت آنها از این درخواست است و با سحر خواندن پیامبر ﷺ، لجاجت و بهانه‌گیری آنها کاملاً نمایان می‌گردد.

۴. اقتراح با انگیزه استهزا و انکار رسالت

مشرکان قریش، عموماً به فکر مبارزه با پیامبر ﷺ بودند و تا حدی مبارزه را ادامه دادند، که در «لیلة المبيت» قصد ترور و حذف فیزیکی پیامبر ﷺ را داشتند. لذا در درخواست‌هایشان نیز به دنبال مبارزه و مقابله با اسلام و پیامبر ﷺ بودند، در همین راستا با درخواست‌های

خویش، رسالت و وحی را انکار کرده و مورد استهزا قرار می‌دادند. درخواست‌های آنها در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱. درخواست تغییر یا تبدیل قرآن

عده‌ای از مشرکان پیامبر ﷺ را مورد تمسخر قرار می‌دادند و درخواست داشتند که قرآنی غیر از این قرآن بیاورد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۴۶). «منکران معاد که امیدوار به لقاء ما نیستند، گویند: که قرآنی غیر از این بیاور یا همین را مبدل ساز.» (یونس: ۱۵) درخواست مشرکین این است، که قرآنی غیر از این بیاور یا قرآن را تحریف کن (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۴۲). آنان در واقع دو چیز را انکار می‌کردند: اول: وحی بودن و نازل شدن قرآن از سوی خدا؛ دوم: حق بودن و تغییر ناپذیری آن را. از این رو از پیامبر ﷺ می‌خواستند اکنون که فراهم آوردن چنین کتابی در توان تو است، کتاب جدیدی بیاور، یا این کتاب را اصلاح کن و تغییر بده، که مورد پسند ما واقع شود. کافران همواره در این باره تلاش داشته‌اند، چنان که در آیه (اسراء: ۷۳) از تطمیع و وعده و رشوه این گمراهان به پیامبر ﷺ برای اجرای این توطئه خبر می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۳۶، ص ۲۶۱-۲۶۰). پس مشرکان با انکار حق بودن قرآن و معجزه بودن آن، منکر رسالت پیامبر ﷺ هستند و انگیزه‌ای غیر از استهزا و انکار نبوت و وحی نداشتند.

۴-۲. درخواست معجزه‌های همانند انبیا گذشته

مشرکان قریش درخواست داشتند که اگر پیامبر هستی، پس معجزه‌ای، همانند ناقه صالح ص و عصای موسی ص و بقیه معجزات انبیای گذشته، بیاور (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۲۶۳) «بلکه این مردم (غافل، نادان) گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی‌اساس است، بلکه این کلمات را خود فرابافته بلکه شاعر بزرگی است و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه‌ای برای ما بیاورد.» (انبیاء: ۵) این تکذیب آنها به تدریج شدت می‌گرفت، می‌گویند: وقتی این قرآن را که وی آورده و آن را آیت خوانده، خواب‌های پریشان، یا افترا و یا شعر بود، دیگر ادعای نبوتش تمام نیست و قرآن او، ما را قانع نمی‌کند، پس باید آیتی برای ما بیاورد، همانطور که گذشتگان آوردند، مثلاً عصا اژدها نمودند و ید بیضا داشتند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۵۲).

۴-۳. درخواست نزول معجزه از جانب خداوند

کافران و مخالفان پیامبر ﷺ با وجود این که قرآن - به عنوان معجزه جاوید پیامبر ﷺ، که دیگران را به مبارزه و هم‌آورد طلبی دعوت کرده است - و سایر معجزات پیامبر ﷺ وجود داشتند، علاوه بر آنها خواهان نزول معجزه درخواستی خویش بودند. که در شش آیه قرآن این درخواست آنها بیان شده است.

۴-۳-۱. کافران با بیانی طعنه‌آمیز می‌گفتند: «چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟» (طه: ۱۳۳) این آیه حکایت از سخنان باطلی است که می‌گفتند: معجزه‌ای برای ما بیاور که بر ادعای نبوت دلالت کند از عناد و لجبازی به جایی رسیدند، معجزاتی که کوه ناشنوا در برابر آنها به سجده می‌افتاد، به حساب نمی‌آوردند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۵۹۳). در جواب آنها باید گفت: اگر طالب معجزه حق هستید، نه به دنبال عناد و مخالفت کردن، این قرآن در مقابل شماست (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۵۸). این آیه نیز عناد، دشمنی و انکار درخواست‌کنندگان نسبت به قرآن، پیامبر ﷺ و اسلام را می‌رساند.

۴-۳-۲. «چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدایش نازل نشد؟» (رعد: ۲۷؛ رعد: ۷؛ یونس: ۲۰؛ انعام: ۳۷؛ عنکبوت: ۵۰) کفار با این درخواست، معجزه قرآن را تحقیر نموده و به آن بی‌اعتنایی کردند و معجزه دیگری نظیر معجزات موسی و عیسی و دیگران طلب می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۰۴). در واقع به نبوت پیامبر ﷺ طعنه زده‌اند به دلیل اینکه از پیامبر ﷺ طلب معجزه و بینه کرده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۳-۱۲). در روایات آمده، جمعی از رؤسای قریش هنگامی که از معارضه و مقابله با قرآن عاجز ماندند به پیامبر ﷺ گفتند: اینها فایده ندارد، اگر راست می‌گویی، معجزاتی همانند عصای موسی، و ناقه صالح، برای ما بیاور (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۱۷). این هوس‌بازان بهانه‌جو از يك سو می‌خواستند قرآن را تحقیر کنند، و از سوی دیگر از قبول دعوت پیامبر ﷺ سر باز زنند، لذا پی در پی درخواست معجزه تازه می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۱۸).

روشن شد که انگیزه مشرکان از درخواست معجزه، عناد، دشمنی، تحقیر قرآن، نفی



معجزه بودن قرآن و انکار رسالت پیامبر و مانند اینها بوده است.

۴-۴ درخواست نزول وحی بر خودشان؛ مشرکان درخواست کردند که وحی بر خودشان نازل بشود، که بیانگر این بود که مقام نبوت را آن قدر تنزل داده بودند، که هر کسی لیاقت رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی را دارد. در واقع انکار نبوت پیامبر و تکذیب ایشان و به تمسخرگرفتن مقام نبوت بود. در آیاتی از قرآن این اقتراحات مطرح گشته است که در ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۴-۴-۱ ایمان آوردن، منوط به رسیدن به مقام نبوت؛ کفار به خاطر حسادت، وقتی معجزه‌ای می‌دیدند، می‌گفتند: ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه مثل این منصب انبیا، از طرف خدا برای ما هم حاصل بشود. این اصرار آنها بر کفر، نه به خاطر درخواست حجت و دلیل بود، بلکه اصرارشان به خاطر نهایت حسادت بود (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۳۶). قرآن چنین بیان می‌دارد: «و چون آیتی برای (هدایت) آنها آمد گفتند: ما ایمان نیاوریم تا مانند آنچه به رسولان خدا داده شد به ما نیز داده شود. خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد. به زودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت به واسطه مگری که می‌اندیشیدند بر آنان فرو فرستد.» (انعام: ۱۲۴) در معنای آیه میان مفسرین دو قول است: قول اول: بزرگان مجرمین عرب از پیامبر ﷺ درخواست کرده‌اند که معجزاتی مثل آنچه که موسی از شکافتن دریا و عیسی از احیاء اموات داشتند، بیاورد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۶۰).

قول دوم: آنها گفتند به پیامبر ﷺ ایمان نمی‌آوریم تا این‌که وحی بر ما نازل بشود، همانطور که بر انبیا نازل می‌شود (طوسی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۵۹؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۳۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۴۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۳۱). قول دوم ترجیح دارد به خاطر سیاق آیه که بر این قول دلالت می‌کند. چون خداوند قول بزرگان مجرمین را رد کرده است. علاوه بر اینکه درخواست نزول وحی بر آنها با حسادت آنها نسبت به پیامبر سازگار است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۲۵۹). پس مقصودشان این بوده که آنان نیز به مقام رسالت نائل شده، درحالی که بت‌پرستان اصل رسالت را قبول نداشتند و این را برای استهزا می‌گفتند



(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۴۱). کفار با درخواست خویش در واقع به دنبال ایمان آوردن نبودند، بلکه انگیزه آنها، استهزا و مسخره کردن بود.

۴-۴-۲. درخواست آمدن کتاب برای هر کدام؛ در روایات آمده است که ابوجهل و جماعتی از قریش گفتند: ای محمد ﷺ ما به تو ایمان نمی‌آوریم تا زمانی که نامه‌ای از آسمان بیاوری که عنوانش این باشد: از خداوند رب العالمین به فلان، فرزند فلان و در آن رسماً دستور داده شود که ما به تو ایمان بیاوریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۵، ص ۲۶۴). قرآن در بیان گستاخی و درخواست کفار می‌فرماید: «بلکه هر یک از آنها می‌خواهند که برای‌شان هم (مانند پیامبران) صحیفه وحی آسمانی باز آید (تا ایمان آرند)» (مدثر: ۵۲) این نسبتی که در این آیه به کفار نسبت داده شده است، کنایه از استکبار آنان نسبت به خدای سبحان است، و اینکه دعوت از طریق رسالت را به هیچ وجه نمی‌پذیرند، هر چند که حق باشد و معجزاتی روشن آن را تایید کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۹۹). پس انگیزه کفار از درخواست معجزه، استهزا و انکار رسالت پیامبر ﷺ بود.

۴-۴-۳. چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا معجزه‌ای برای ما نمی‌آید؛ قرآن بیان می‌دارد: «مردم نادان اعتراض کردند که چرا خداوند با ما سخن نگوید، یا معجزه‌ای (و کتابی مطابق میل ما) بر ما نمی‌آید؟...» (بقره: ۱۱۸) در اینکه درخواست‌کنندگان چه کسانی بودند اختلاف است، اما این نظر که مقصود: مشرکین عرب است، قول بهتر است (طوسی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۶۷) زیرا اینان کسانی هستند که امور ممتنع را تقاضا و درخواست کردند و به معجزات آشکار و نشانه‌های روشن اکتفا نمودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۰). در حقیقت این گروه دو درخواست غیر منطقی داشتند: اول: چرا خداوند مستقیماً با ما سخن نمی‌گوید؟ دوم: چرا آیه‌ای بر خود ما نازل نمی‌شود؟ اگر به‌راستی منظور آنها درک حقیقت است، همین آیات را که بر پیامبر ﷺ نازل کردیم نشانه روشنی بر صدق گفتار او است، چه لزومی دارد که بر هر یک از افراد مستقیماً و مستقلاً آیاتی نازل شود؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۳) با این بیان، انگیزه مشرکین درخواست‌کننده، که انکار رسالت پیامبر ﷺ و معجزات پیامبر ﷺ بود، واضح گردید.

۴-۴-۴. درخواست بالا رفتن به آسمان و نزول کتاب

مشرکان درخواست داشتند «...یا آنکه بر آسمان بالاروی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتن نیاوریم، تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم...» (اسراء: ۹۳) این درخواست مشرکان، نظیر آیه ۵۲ سوره مدثر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۲۱۰). همان گونه که لحن خود آیات (اسراء: ۹۳-۹۰)، علاوه بر شأن نزول، گواهی می‌دهد که این درخواست‌های عجیب مشرکان، هرگز از روح حقیقت‌جویی سرچشمه نمی‌گرفت، بلکه آنها تمام هدفشان پابرجایی آئین بت‌پرستی و شرک، که پایه‌های قدرت رؤسای مکه را تشکیل می‌داد، بود. لذا می‌خواستند پیامبر را به هر وسیله‌ای که ممکن است از ادامه راه توحید بازدارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۸۳). بنابراین درخواست‌های آنان نیز، در رد و انکار نبوت پیامبر ﷺ و قرآن بود.

۴-۴-۵. درخواست آمدن فرشته نزد آنها

مشرکان با لحنی بی‌ادبانه خطاب به پیامبر ﷺ می‌گفتند: «اگر راست می‌گویی (و بر تو فرشتگان خدا نازل می‌شوند) چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟» (حجر: ۷) این سوره پیرامون استهزاء کفار به پیامبر سخن می‌گوید که نسبت جنون به آن جناب داده و قرآن را هذیان دیوانگان خوانده بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۹۵). «آنها گفتند: ای کسی که قرآن بر تو نازل شده به طور قطع سوگند یاد می‌کنیم که دیوانه‌ای» (حجر: ۶) و این تعبیر نهایت گستاخی و جسارت آنها را در برابر پیامبر ﷺ مجسم می‌کند. همیشه افراد لجوج و بی‌مایه هنگامی که در برابر يك عقل بزرگ قرار بگیرند، یکی از نخستین وصله‌هایی که به او می‌چسبانند جنون است، چرا که مقیاس را عقل ناتوان خودشان قرار می‌دهند. آنها برای بهانه‌جویی می‌گفتند: «اگر راست می‌گویی چرا فرشتگان را برای ما نمی‌آوری» تا تصدیق گفتار تو کنند و ما ایمان بیاوریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۵-۱۳). این آیه عدم اعتقاد آنها به رسالت پیامبر ﷺ و انکار رسالت پیامبر ﷺ را می‌رساند و انگیزه چنین درخواستی - با توجه به آیه قبل که نعوذ بالله نسبت جنون به پیامبر اکرم ﷺ می‌دهند - در راستای مبارزه با پیامبر و استهزاء و انکار نبوت پیامبر ﷺ است.

انگیزه‌های اصلی درخواست‌کنندگان معجزات اقتراحی، این چهار مورد بود، که با ذکر چند مصداق برای هر کدام، و تبیین انگیزه هر کدام بیان گردید.

لازم به تذکر است که در برخی از موارد اقتراح، ممکن است چند انگیزه همزمان وجود داشته باشد. - مثلا همزمان که انگیزه مبارزه با پیامبر ﷺ را دارد در عین حال به فکر رفاه و دنیاطلبی هم باشد. لذا با چند انگیزه هم زمان، درخواستش را مطرح می‌کند و یا این که چند انگیزه‌ای که در ظاهر برای یک درخواست وجود دارد، به یک انگیزه اصلی که مبارزه و مخالفت با پیامبر ﷺ است، برگردد. بنابراین ممکن است مواردی که در بالا برای یک انگیزه ذکر گردیده شد، هم زمان مصداق انگیزه‌ای دیگر نیز باشد.

انگیزه‌های انجام معجزه در خواستی

این بخش از نوشتار درصدد پاسخ به سؤال پایانی است؛ یعنی انگیزه انجام دادن، معجزات اقتراحی چه بوده است؟

با تفحص و استقرا و با توجه به این نکته، که از مسیر اصلی شناخت نبی، ظهور معجزه به دست او است که نشان صدق ادعای او باشد، بنابراین انجام معجزات با دو انگیزه اصلی انجام می‌شد:

۱. اثبات حقانیت نبوت

از انگیزه‌های اصلی برای اتیان و انجام معجزات اقتراحی، اثبات نبوت پیامبر ﷺ بوده است. مواردی از این قراین همراه با تبیین انگیزه‌های اتیان در ادامه می‌آید.

اتیان شق القمر

مشرکان که اعتقادی به رسول خدا بودن پیامبر نداشتند، گفتند: اگر واقعا رسول خدا هستی ماه را نصف کن. پیامبر ﷺ فرمود: «اگر من این کار را بکنم شما ایمان می‌آورید.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۸۲) سؤال و جوابی که در جریان شأن نزول نقل گردیده است، بیانگر این است که معجزه برای اثبات حقانیت نبوت پیامبر ﷺ آورده شده است، چون که مشرکان قریش پیامبر بودن حضرت را قبول نداشتند و در مقام انکار اصل نبوت پیامبر ﷺ بودند، لذا این معجزه

محقق شد، تا نبوت پیامبر ﷺ را اثبات کند، زیرا معجزه بر صدق ادعای مدعی نبوت، یک دلالت عقلی دارد و بنابر همین دلالت عقلی است که مشرکان در ردّ پیامبر ﷺ می‌گویند: این سحر است، چون اگر بگویند: این معجزه است؛ یعنی نبوت پیامبر ﷺ را قبول کرده‌اند.

۲-۱. انجام درخواست حرکت درخت

قراین و شواهدی در این خطبهٔ مربوطه وجود دارد که دلالت می‌کند انگیزهٔ انجام معجزهٔ درخواستی، اثبات نبوت پیامبر ﷺ بوده است. (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۰-۴۰۲)

الف) پیامبر ﷺ در جواب درخواست‌کنندگان فرمودند: «خداوند بر همه چیز تواناست. حال اگر خداوند این کار را بکند آیا ایمان می‌آورید؟ و به حقّ شهادت می‌دهید؟» پیامبر ﷺ دغدغه و انگیزه‌اش ایمان آوردن و شهادت به حقّ که همان نبوت پیامبر ﷺ باشد است.

ب) پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «ای درخت! اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری، و می‌دانی من پیامبر خدایم، از زمین با ریشه‌هایت در آی، و به فرمان خدا در پیش روی من قرار گیر» در این جمله پیامبر ﷺ نیز انگیزهٔ اثبات نبوت را می‌رساند.

ج) علی رضی الله عنه بعد از تحقق معجزه می‌فرمایند: من گفتم: «لا اله الا الله، ای رسول خدا من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آوردم و نخستین فردی هستم که اقرار می‌کنم، که درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت، و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی انجام داد.» در این فراز از خطبه، علی رضی الله عنه نیز انگیزهٔ انجام این درخواست را تصدیق نبوت می‌داند و به آن اقرار می‌کند.

د) سران قریش بعد از تحقق معجزه خطاب به پیامبر ﷺ گفتند: «آیا نبوت تو را کسی جز امثال علی رضی الله عنه باور می‌کند؟». این نیز قرینه‌ای دیگر است بر اینکه حتی مشرکان نیز انگیزهٔ اتیان معجزه را تصدیق نبوت می‌دانسته‌اند.

با توجه به این چهار قرینه روشن می‌گردد که انگیزهٔ انجام این معجزه اثبات حقانیت نبوت پیامبر ﷺ بوده است.

۳-۱. حرکت خوشهٔ خرما

شواهدی که در این روایات وجود دارد و بیانگر انگیزهٔ انجام است، (قطب‌الدین راوندی،

۱۴۰۹ق، ص ۲۹۷؛ مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۵۳۰) از این قرار می‌باشد:

الف) سخن اعرابی که به پیامبر ﷺ عرض کرد به چه چیز بدانم که تو رسول خدایی؟ در این جا سؤال از اثبات رسول خدا بودن است و بنابر مطابقت بین سؤال و جواب باید دلیلی که آورده می‌شود، برای اثبات رسول خدا بودن باشد و همین گونه هم هست.

ب) جواب پیامبر به این اعرابی است که فرمود: اگر....(این معجزه محقق بشود)، گواهی می‌دهی که من رسول خدا هستم؟ گفت: بلی.

ج) کلام اعرابی بعد از مشاهده معجزه است که می‌گوید: گواهی می‌دهم، که تو رسول خدا هستی و این نیز می‌رساند که انگیزه انجام، اثبات نبوت بوده است.

۴-۱. معجزه جهت دفع شک

(مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۴۲؛ حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۲۰، باب ۸، ح ۶۱۶؛ عسکری رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ق، ص ۵۹۹) قراین زیر بیانگر انگیزه انجام این معجزه است:

الف) سخن عمار که «می‌توانم تو را تصدیق کنم، آیا معجزه‌ای داری که دفع شک کند؟» در این کلام عمار به صراحت بیان می‌کند که معجزه را برای اثبات حقانیت نبوت پیامبر ﷺ می‌خواهد.

ب) کلام او در حین برگشت است که می‌گوید: «به هر درخت و سنگ که رسیدم گفتم ای درخت و سنگ محمد دعوی می‌کند که تو شهادت می‌دهی برای پیغمبری او»

ج) سخن درخت و سنگ است که می‌گفت: «شهادت می‌دهم که محمد رحمته الله علیه رسول پروردگار ماست.»

با عنایت به این شواهد سه‌گانه، روشن می‌گردد که این معجزه برای اثبات حقانیت نبوت پیامبر ﷺ تحقق یافته است.

۵-۱. گواهی «هبل» به رسالت پیامبر ﷺ: (مجلسی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۵۲۶؛ عسکری رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۳) دو شاهد زیر بیانگر هدف از انجام این معجزه است.

اول: کلام کفار قریش که می‌گفتند: «بیا تا برویم به نزد «هبل» و او را حکم گردانیم تا گواهی دهد به راستی ما و دروغ تو»، هدف کفار از این کار نفی نبوت پیامبر ﷺ بود و لذا

باید در مقابل این هدف پیامبر از معجزه، اثبات نبوت باشد.

دوم: این قسمت روایت که «هبل بر رو افتاد برای تعظیم آن حضرت و گواهی به پیغمبری و برای برادرش علی علیه السلام به امامت و رهبری و برای فرزندان ایشان به خلافت و وراثت».

۲. بستن راه‌های بهانه‌گیری و اتمام حجت

یکی از انگیزه‌های انجام معجزه، بستن راه‌های بهانه‌گیری و اتمام حجت بر دشمنان است، که در ذیل مصادیقی از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. انجام معجزه‌های همانند معجزات انبیا علیهم السلام؛ عده‌ای از مشرکان گفتند: ای محمد! گمان می‌کنی که تو فرستادهٔ پروردگار هستی، تو به این راضی نشده‌ای تا اینکه گمان کردی تو سید انبیا و افضل آنها هستی، اگر نبی هستی، پس یک معجزه‌ای برای ما بیاور، همانطور که از انبیا قبل از خودت ذکر کردی... رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ»، معجزه‌ای آشکار آورده‌ام و آن قرآنی است که شما و سایر امت‌ها از معارضه‌اش عاجزید، پس او بر شما حجت است و بعد از این از پروردگارم اقتراح نمی‌کنم، پس «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» و بر او نیست که بعد از قیام حجت، از خداوند اقتراح کند، به آنچه که درخواست‌کنندگان آن نمی‌دانند آیا در آنچه که می‌خواهند صلاح هست یا فساد؟ پس جبرئیل علیه السلام آمد و بعد از ابلاغ سلام گفت: «که من این معجزات را به آنها نشان می‌دهم و آنها به آن کافر می‌شوند مگر کسی از آنها که خداوند او را مصون بدارد، ولی من این درخواست‌ها را به آنها نشان می‌دهم برای زیادتی در اعتذار و روشن شدن حجت‌های تو.» در ادامهٔ روایت معجزات سه گروه محقق می‌شود و ایمان می‌آورند. ابوجهل که رئیس گروه چهارم بوده، حتی با وجود تحقق معجزهٔ درخواستیش به دلیل عناد و لجاجت شروع به بهانه‌گیری می‌کند و تسلیم حق نمی‌شود (عسکری رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ق، ص ۴۴۱-۴۲۹).

با توجه به کلام جبرئیل علیه السلام که خداوند می‌فرماید: «من این اقتراحات را به آنها نشان می‌دهم برای زیادتی در اعتذار و روشن شدن حجت‌های تو.» که انگیزهٔ انجام این معجزات را اتمام حجت و روشن شدن حجت‌های تو و جلوگیری از بهانه‌گیری می‌داند. پس این

معجزه برای اتمام حجت و جلوگیری از بهانه‌گیری، محقق گردیده است.

۲-۲. امام صادق علیه السلام فرمود: برخی از مردم با کلام ایمان می‌آورند، و برخی از آنها ایمان نمی‌آورند، مگر با دیدن، همانا مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: معجزه‌ای به من نشان بده، پیامبر صلی الله علیه و آله به دو درخت فرمود: جمع بشوند، پس جمع شدند. سپس فرمودند: جدا شوید، جدا شدند و هرکدام به جایگاه خودشان برگشتند. گفت: پس مرد ایمان آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۶۶-۳۶۷، باب ۴، ح ۱۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۵۳، باب ۱۳، ح ۱).

با توجه به این نکته که امام صادق علیه السلام در ابتدای حدیث بیان فرمودند: که برخی از مردم فقط با دیدن ایمان می‌آورند. تحلیل این معجزه چنین است که چون این شخص با اینکه معجزات دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله موجود بود و شخص حق طلب با شنیدن و دیدن معجزاتی همانند: قرآن و ... ایمان می‌آورد، ولیکن این شخص ایمان نیاورده است، پس می‌شود نتیجه گرفت که تحقق این معجزه برای این شخص، به خاطر جلوگیری از بهانه‌گیری و بستن راه بهانه و برای اتمام حجت تحقق یافته است.

۲-۳. یک اعرابی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: تا این سوسمار اسلام نیاورد، اسلام نمی‌آورم. پیامبر صلی الله علیه و آله چندین سؤال از سوسمار کردند و سوسمار جواب داد و بعد اعرابی گفت: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله» سپس خندید و گفت: من وارد شدم و تو مبعوض‌ترین خلق پیش من بودی و خارج می‌شوم و تو محبوب‌ترین خلق پیش من هستی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۴۱۵، باب ۱۴، ح ۴۵؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۹۴-۹۵). طبق حدیث این شخص، اسلام آوردن خویش را مشروط به اسلام آوردن سوسمار کرده است، و این می‌رساند که به دنبال بهانه‌گیری بوده است والا اگر کسی حق جو باشد اسلام آوردن را منوط به دلیل می‌کند، نه این که حتماً فلان معجزه خاص محقق شود. بنابراین برای بستن راه بهانه‌جویی و اتمام حجت برای او اقتراحش محقق می‌شود.

۲-۴. شهادت دادن سوسمار؛ «اعرابی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این فضایل که برای پسر-عمویت گفتم مورد قبول نیست مگر اینکه این سوسمار شهادت بدهد.» سپس خداوند او را به سخن درآورد و به وحدانیت خداوند و رسالت و فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلق و سایر انبیا و همچنین بر فضایل علی علیه السلام و ... شهادت داد، سپس اعرابی با حالت گریه می‌گفت: ای

رسول الله! من به آنچه این سوسمار شهادت داد، شهادت می‌دهم، پس دیدم و شاهد بودم و شنیدم چیزی را که برای من راه فراری از آن نیست (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۶۵-۲۶۳، باب ۱، ح ۱۶۸؛ قطب الدین راوندی، خ، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۸، باب ۱، ح ۴۳). در این روایت نیز همانند روایات گذشته، شخص درخواست‌کننده به دنبال بهانه‌گیری است، لذا اتیان و انجام معجزه‌اش نیز برای اتمام حجت و بستن بهانه‌های اوست و شاهد این قضیه این جمله او است که می‌گوید: «این فضایی که برای پسر عمویت گفتمی مورد قبول نیست مگر اینکه این سوسمار شهادت بدهد.» قبولی و حجت کلام پیامبر را مشروط به ایمان آوردن سوسمار می‌کند که این بهانه‌گیری برای ایمان آوردن است والا اگر به فکر بهانه‌گیری نبود، باید به هر طریقی که حجت بر او تمام می‌شد می‌پذیرفت، نه اینکه حجت را منوط به یک درخواست خاصی بکند.

۲-۵. درخواست معجزه توسط طیب ثقفی؛ یک ثقفی که طیب بود به پیامبر ﷺ گفت: اگر جنون داری درمانت کنم. پیامبر ﷺ فرمودند: آیا دوست داری معجزه‌ای به تو نشان بدهم تا با آن بی‌نیازی من از طب تو و نیاز تو به طب مرا بدانی، گفت: بله. فرمود: چه معجزه‌ای می‌خواهی، گفت: این نخل را بخوان. پس پیامبر ﷺ آن را خواند و از ریشه کنده شد و زمین را می‌شکافت تا در مقابل پیامبر ﷺ ایستاد. پیامبر ﷺ فرمود: آیا کفایت می‌کند. گفت: نه، امر کن که برگردد به آنجا که از آن آمده و در جایگاهش مستقر شود. پس حضرت امر کردند و درخت برگشت و در جایگاهش مستقر شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۳۷۱، باب ۴، ح ۲۲) با توجه به این روایت، و نوع درخواست طیب ثقفی معلوم است که به دنبال بهانه‌گیری بوده است و پیامبر ﷺ هم برای اتمام حجت، درخواستش را مورد قبول قرار می‌دهد و معجزه او محقق می‌گردد.

جمع بندی

مقاله حاضر به بررسی مسئله انگیزه‌های درخواست معجزاتِ اقتراحی پیامبر ﷺ و انجام آن، در ضمن پاسخ به سه سؤال زیر پرداخت ۱- آیا پیامبر ﷺ دارای معجزه اقتراحی است؟ ۲- انگیزه‌های درخواست‌کنندگان معجزه چه بوده است؟ ۳- انگیزه انجام دادن این معجزات چه بوده است؟

در پاسخ به سوالات بیان شد که افزون بر معجزاتی که پیامبر ﷺ برای اثبات حقانیت دعوتش آوردند، نوع دیگری از معجزات نیز وجود دارد که برای اجابت درخواست مردم آورده‌اند، البته پیامبر همیشه به این درخواست‌ها، پاسخ مثبت نمی‌دادند و بسته به افراد درخواست‌کننده و شرایط و انگیزه‌های درخواست، پاسخ‌های متفاوتی می‌دادند. درخواست‌کنندگان نیز با انگیزه‌های متفاوت این درخواست‌ها را طرح می‌کردند. انگیزه‌های درخواست عبارتند از: ۱. شناخت حق و ایمان آوردن؛ ۲. رفاه طلبی؛ ۳. بهانه‌گیری و لجابت؛ ۴. استهزا و انکار رسالت. سپس بیان شد که انگیزه‌های انجام معجزات دو انگیزه: ۱. اثبات حقانیت نبوت؛ ۲. بستن راه‌های بهانه‌گیری و اتمام حجت بوده است.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۶ق.
۶. بحرانی، سید هاشم، مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۸. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، چاپ ششم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۶.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، تحقیق و تنظیم: محمد صفایی، قم: اسراء، ۱۳۹۴.
۱۰. _____، تفسیر موضوعی قرآن کریم، تنظیم و نگارش: علی اسلامی، چاپ پنجم، قم: اسراء، ۱۳۸۷.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
۱۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد، تصحیح و تحقیق و تعلیقات: حسن حسن زاده آملی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الأسناد، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، ۱۴۱۳ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان داوودی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۷. رضایی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۱.
۱۸. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، چاپ سوم، قم: المرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: [بی‌نا]، ۱۳۷۹.
۲۰. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ، محقق: محسن بن عباس علی کوچه باغی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، محقق: محمد باقر خراسان، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۲۵. طوسی، محمد بن محمد، تجرید الإعتقاد، تحقیق: محمد جواد حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۶. عسکری، امام ابو محمد حسن بن علی ﷺ، التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری ﷺ، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۴۰۹ق.
۲۷. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۹. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، مصر: دارالجمیل، ۱۳۷۱ق.

۳۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ق.

۳۱. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، محقق: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، دارالکتب، قم، ۱۳۶۷ش.

